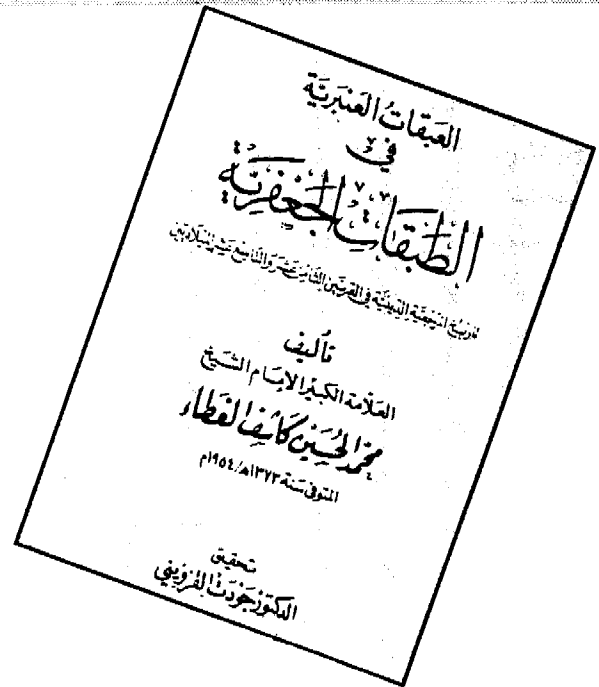


سیري در كتاب

# العبيقات العنبرية في الطبقات الجعفرية

حسين وانقي



العبيقات العنبرية في الطبقات الجعفرية، علامه محمد حسين كاشف الغطاء، تحقيق: دكتور جودت قزويني، چاپ اول ١٣١٨ هـ.ق. بيروت.

در تألیف و تحقیق چیره دست و در شعر و شاعری زبردست بودند و بر کرسی تدریس در حوزه کهن و غنی نجف اشرف تکیه زدند و در راه پیشبرد و تعمیق فرهنگ تشیع سهمی کلان بر عهده داشتند و در امور سیاسی-اجتماعی عراق بوژده شهرهای نجف و کربلا و کاظمین و سامرا و حلّه تأثیرگذار عمده بودند و جمعی از میان آنان به مقام منیع مرجعیت تقلید رسیدند.

یکی از آن دانشوران بزرگ آیه الله شیخ محمد حسین کاشف الغطاء است که با سه واسطه به سرسلسله این دودمان شیخ جعفر کبیر نسب می برد؛ بدین ترتیب: محمد حسین بن علی بن محمد رضا بن موسی بن جعفر. این بزرگ مرد-که شرح زندگی و کمالات و خدمات علمی، اجتماعی و سیاسی او یک کتاب را پرمی کند- دارای تألیفاتی گرانسنگ و فراوان است. یکی از آثار قلمی او کتاب «العبيقات العنبرية في الطبقات الجعفرية» است که شرح حال خاندان کاشف الغطاءست. گرچه پسوند نام کتاب مؤهم آن است که تاریخ عموم علمای شیعه است، اما به یقین مراد او از جعفر در نام کتاب، شیخ جعفر، بزرگ خاندان کاشف الغطاء است، نه امام جعفر صادق (ع).

مؤلف که از علوم مختلف اسلامی بهره مند بوده و بعدها به

در تاریخ فقه و فقه خاندان های بزرگ علمی که دارای دانشمندانی سترگ و فرهیختگان فراوانی باشند، چندان زیاد نیستند. یکی از آن نوادر و نمونه ها خاندان کاشف الغطاء است. مؤسس و بزرگ این خانواده بلند آوازه، فقیه مبتکر و اصولی باریک اندیش و محقق نامدار آیه الله العظمی شیخ جعفر نجفی است. او دارای تألیفات فراوان است که مهم ترینش کتاب نغز و پرمغز «کشف الغطاء عن مبهمات الشريعة الغراء» است و به همین جهت او را کاشف الغطاء لقب داده اند و فرزندان او را به همین نام می خوانند.

آن مرد بزرگ از خداوند خواست که چراغ علم و فقاقت در ذریه اش همواره روشن و پرتوافشان باشد و خداوند متعال دعای او را مستجاب فرمود و از نسل او عالمانی بزرگ و اندیشمندانی بسیار به جامعه اسلامی و شیعی ارزانی داشت: دانشمردانی که

آثار قلمی فراوان برجای نهاده است که مهم ترینش «کشف الغطاء» است که حاوی اصول عقاید، دوره کامل اصول فقه کاربردی و قواعد فقه و فقه استدلالی است. نسخ خطی فراوان آن حکایت از اهتمام فقها نسبت بدان دارد. این کتاب گرچه چاپ سنگی شده است، لیکن چاپ محقق و امروزی آن در هفت یا هشت جلد در راه است.

در آغاز گزارشی کوتاه از زندگانی پدر و برادران شیخ جعفر به دست می دهد (ص ۳۷-۴۳) آنگاه فصل اول را به کرامات شیخ جعفر، و فصل دوم را به اخلاق و منش او اختصاص می دهد. در فصل سوم (ص ۸۲-۱۰۷) از سفر او به حج بیت الله الحرام و سفر او به تهران و ملاقاتش با فتحعلی شاه قاجار سخن می گوید و پیدایش اخباری ها و مبارزه اصولی ها را با آنان گزارش می کند و از سبب گرایش آن شاه به افراطی ترین شخص اخباری یعنی میرزا محمد پرده برمی دارد. گویا در باور شاه، قتل اشپوختر فرمانده لشکر متجاوز روس در حمله به ایران بر اثر اوراد و عزائم میرزا محمد بوده است.

در فصل چهارم (ص ۱۰۸-۱۳۴) دو حادثه مهم ذکر می شود: یکی هجوم وهابی ها به عتبات مقدس عراق، و رساله ای که شیخ جعفر کبیر در دفاع از عقاید شیعه و رد عقاید وهابیت با لحن ملایم و محققانه ای نگاشته و برای عبدالعزیز بن سعود سرده شده و هابی های مهاجم فرستاده است. بخشی از این رساله را که در اختیار مؤلف بوده در کتابش آورده است و تقاضا کرده هر کس نسخه کامل آن را یافت در این کتاب وارد کند. حادثه دوم از پیشامدهای عهد شیخ جعفر کاشف الغطاء، پیدایش دو گروه شرور و آشوب طلب «زقوت» و «شمرت» در نجف اشرف است که تا عهد مؤلف کتاب این فتنه ادامه یافته است.

در فصل پنجم (ص ۱۳۵-۱۸۰) سروده هایی از شیخ جعفر کبیر و نیز چکامه هایی از شعرای زمان که به مناسبت های گوناگون برای تریک و یا تسلیت به وی سروده اند، آمده است و نیز متنی با نشر مسجع و متکلفانه در وصف او که از کتاب یتیمه الدهر تألیف سید محمدعلی شرف الدین عاملی برگرفته است.

باب دوم کتاب (ص ۱۸۱-۳۵۹) شرح زندگانی فرزندان بی واسطه کاشف الغطاء بزرگ است به این ترتیب:

الف) شیخ موسی بن جعفر (ص ۱۸۱-۲۳۸) او دارای نبوغ و استعدادی بوده است که در بیست سالگی به اجتهاد می رسد و از اساتید حوزه به شمار می رود. او پس از پدر بزرگوارش مرجع تقلید مردم گردید و شاگردان پدر به دور او گرد آمدند و از دانش او بهره بردند. چنین معروف است که پدر او فرمود: به جز خود

مقام استادی رسیده است، دارای نبوغی خاص بوده به طوری که این کتاب را که اولین تألیف اوست، در سنین پانزده تا بیست سالگی نوشته است.

شرح حال نگاران معمولاً با تعبیرات یکنواخت و کلیشه ای از افراد مورد سخن یاد می کنند، اما او از این روش پیروی نمی کند، بلکه از استعداد خداداد و اطلاعات زیاد و حافظه قوی و ادب عربی خود سود می جوید و یک کتاب پرفایده می آفریند تا در عین حال که زندگینامه دانشمندان است مجموعه تاریخی، سیاسی، اجتماعی و بالاتر از همه یک جنگ ادب عربی عرضه کند که نظمش موزون و نثرش مسجع باشد.

این کتاب را می توان از مصادر دست اول برای موضوعات زیر به حساب آورد و از آن بهره جست: تاریخ عراق، تاریخ نجف و حوزه غنی و دانشمندان فراوان آن، تاریخ قاجاریه و ارتباطشان با عراق و علمای نجف، مبارزه اصولیین با اخباری ها پدید آمدن شیخیه، ظهور باب، هجوم وهابی ها به عتبات مقدس عراق، تاریخ فقه و فقها، ادب عربی و تاریخ آن و ... و نیز از بُعد کتابشناسی ذی قیمت است چرا که از کتاب هایی که ظاهراً تاکنون به چاپ نرسیده و یا جزء مفقودات است، مطالبی نقل می کند؛ همچون:

۱. یتیمه الدهر فی ذکر علماء العصر، تألیف سید محمدعلی بن سید ابی الحسن عاملی، داماد شیخ جعفر کاشف الغطاء بزرگ.

۲. معدن الشرف فی أحوال المشاهیر من علماء النجف، تألیف سید حسون البراقی.

۳. ضوء المشكاة الكاشف عن وجوه الرواية والرواة، تألیف شیخ محمدعلی عزالدین عاملی.

۴. تمام رساله «نبذة الغری فی احوال الحسن الجعفری» را در کتاب وارد می کند. (ص ۲۹۳-۳۴۷)

جالب است که بدانیم «عبارات» قبل از چاپ نیز جزء مصادر و مآخذ کتاب هایی بوده است؛ همچون: بابلیات، تألیف محمدعلی یعقوبی؛ ماضی النجف و حاضرها، تألیف جعفر محبوبه؛ شعراء الحله و شعراء الغری از علی خاقانی.

مؤلف گرامی سبب تألیف این کتاب را تهیه گزارشی از خاندان خود و هدیه به عموی نادیده اش که در اصفهان اقامت داشته می داند. (ص ۲۵-۲۹) سپس نسب پدران خود را به مالک اشتر یار باوقای امام علی (ع) می رساند. (ص ۳۰-۳۶) باب اول کتاب به شرح زندگی مؤسس این خاندان اختصاص دارد. (ص ۳۷-۱۸۰) شیخ جعفر کبیر از فقهای نادر دوران بوده است که با گذشت دو بیست سال از حیات او و پدید آمدن فقهای بزرگ، هنوز هم موقعیت او در حوزه های فقهی پابرجاست.

ج) شیخ جعفر بن علی بن جعفر که او را شیخ جعفر صغیر می‌گفته‌اند، در مقابل جدش شیخ جعفر کبیر - زندگینامه و اشعاری که برای او سروده‌اند، از صفحه ۴۴۷ تا ۴۶۵ کتاب آمده است. این سه برادر فرزندان شیخ علی کاشف الغطاء می‌باشند.

د) شیخ محمد رضا بن موسی بن جعفر. او نیز عهده دار تدریس بوده و در مصالح مسلمین می‌کوشیده است و شاعران قصایدی در وصفش سروده‌اند. (ص ۴۶۵-۵۰۲)

پیشتر گفتیم که کاشف الغطاء بزرگ رساله‌ای در دفاع از عقاید شیعه و رد عقاید وهابیت نگاشته و برای عبدالعزیز بن سعود رئیس وهابی‌ها فرستاده است. مؤلف «العبارات» بخشی از آن را که در اختیار داشته در کتابش آورده (ص ۱۱۷-۱۲۸) و تقاضا کرده است هر کس آن را به تمامی یافت در کتاب «العبارات» وارد کند. اکنون محقق کتاب آقای دکتر جودت قزوینی به سفارش مؤلف عمل کرده است و رساله «منهج الرشاد لمن أراد السداد» را در پایان کتاب آورده است. (ص ۵۱۹-۵۸۷) لازم به یادآوری است این رساله در سال ۱۳۴۲ هـ. ق. در ۸۲ صفحه در مطبعة الحیدری نجف چاپ شده است. آقای جودت قزوینی با راهنمایی علامه مرحوم سید عبدالعزیز طباطبائی آن را بر مبنای نسخه نفیسی که متعلق به کتابخانه آیه الله مرعشی در قم است تحقیق کرده و به چاپ رسانده است. اکنون چند سخن با آقای دکتر جودت قزوینی:

۱. مؤلف می‌گوید: یک نسخه پاکنویس شده کتاب را برای عموم به اصفهان فرستادم تا به چاپ رسانند. اما اجل او را مهلت نداد و با مرگ او آن نسخه هم ناپدید شد. می‌دانم که چاپ نشد اما نمی‌دانم نسخه کتاب کجا است. نزد من فقط پیشنویس جزء اول به خط خودم که ۶۰ سال پیش آن را نوشته‌ام موجود است. ادیبان از آن بهره گرفته و در کتاب‌های خود نقل کرده‌اند. (ص ۱۴)

همچنین در پایان کتاب چاپ شده پس از شرح زندگانی شیخ محمد رضا مؤلف می‌نویسد: در پی می‌آید شرح حال بقیه رجال این طبقه که عبارتند از:

شیخ حبیب و شیخ عباس پسران شیخ علی، و سپس زندگینامه شیخ عباس فرزند شیخ حسن که شرح احوال طبقه سوم پایان می‌پذیرد و به توفیق الهی شروع خواهیم کرد به نگارش احوال طبقه چهارم که فرزندان طبقه سوم هستند. (ص ۵۰۲)

با نقل دو سخن مؤلف از آغاز و پایان کتاب می‌خواهیم نتیجه بگیریم که آن چه به چاپ رسیده همه کتاب نیست و آقای قزوینی هم چیزی در این زمینه نمی‌نویسد. کسی که به قول خودش

و پسر شیخ موسی و شهید اول مجتهد مطلق نمی‌شناسم (ص ۱۹۸) و در بعضی نقل‌ها محقق صاحب شرایع را هم به این جمع اضافه می‌کرده است.

در این بخش از کتاب، از مبارزه علما با میرزا محمد اخباری و فتوای آنان به قتل او و اجرای حکم سخن رفته است (ص ۱۸۳-۱۸۷) و از وقایعی که در نجف رخ داده، یاد می‌شود و سپس آثار عمرانی شیخ موسی در نجف معرفی می‌شود پس از آن نامه شیخ موسی به فتح‌علی شاه و جواب شاه به او و تجلیل از میرزا محمد اخباری نقل می‌شود. (ص ۲۰۴-۲۰۸) آنگاه اشعاری که شاعران در مدح و رثای شیخ موسی و فرزندان وی سروده‌اند ذکر می‌شود. (ص ۲۰۸-۲۳۳)

ب) شیخ علی بن جعفر. او از فقهای برجسته و ممتازی است که به دقت نظر و گستره اندیشه معروف بوده است. پس از برادرش شیخ موسی، عهده دار تدریس و تألیف و فتوا شد. شیخ مرتضی انصاری فقیه اصولی بی نظیر و میرفتاح مراغی صاحب عناوین الاصول و جمع بسیاری از شاگردان وی بودند. او مرجع تقلید مردم گردید و تألیفاتی پربها بر جای نهاد. زندگینامه و اشعاری که در مدح و رثای او سروده شده از صفحه ۲۳۸ تا ۲۹۰ کتاب آمده است. در همین بخش از کتاب، از ظهور فرقه شیخیه (ص ۲۸۴-۲۸۶) و احوال سید محمد علی باب پیش از ظهورش (ص ۲۸۷) سخن رفته است.

ج) شیخ حسن بن جعفر. او نیز یکی از فقهای این دودمان است. فرزندش شیخ عباس رساله‌ای در احوال پدر نگاشته است که مؤلف ما همه آن را در کتابش وارد می‌کند (ص ۲۹۳-۳۴۹) و در آن از کرامات وی، جواب او به برخی پرسش‌ها، برخی حوادث تلخ کربلا و نجف، و مناظره او با آلوسی مؤلف تفسیر روح المعانی و مفتی رسمی حکومت بغداد سخن رفته است و در پایان اشعاری را که در مدح شیخ حسن سروده‌اند، نقل می‌کند. باب سوم کتاب (ص ۳۶۰-۵۰۲) به شرح زندگانی طبقه سوم از این سلسله اختصاص می‌یابد؛ به این ترتیب:

الف) شیخ محمد بن علی بن جعفر. او از مدرسان و مجتهدان و مراجع تقلید بوده و به شعرا بها می‌داده است. همسرش نیز به شعر علاقه مند بوده و به شاعران متعهد صله می‌داده است. زندگینامه‌ای کوتاه و قصیده‌هایی چند درباره او در کتاب گرد آمده است. (ص ۳۶۰-۳۹۸)

ب) شیخ مهدی بن علی بن جعفر. او پس از برادر عهده دار مرجعیت شد و شیخ مرتضی انصاری بزرگ، بسیاری از امور را به او ارجاع می‌داده است. او نیز از ذوق شعری بهره مند بوده و شعرا برای او قصایدی سروده‌اند. (ص ۳۹۸-۴۴۷)

گردد بر فوائد آن خواهد افزود.

۳. با توجه به این که «عبقات» یک متن تاریخی نیز هست و از مصادر دست اول برهه‌ای از تاریخ عراق و نجف است، لازم بود آقای قزوینی برای تحکیم مطالب کتاب و یا نقد آن، از مصادر موازی و همزمان یا مقدم بر آن بهره جوید و مقایسه‌ای بین آنان به عمل آورد.

۴. در پاورقی‌ها بیشتر به سال و ولادت و وفات اعلام و یا حوادث بسنده شده و هیچگاه سند کلام خود را ذکر نکرده است حتی در مقدمه‌التحقیق برای سخنان خود مصدري معرفی نکرده و مرجع دو بیوگرافی خودنوشت علامه محمدحسین کاشف الغطاء را معرفی ننموده است. با این وصف طبیعی است که جای فهرست مصادر و مراجع تحقیق خالی باشد.

۵. با توجه به اینکه «عبقات» یک متن ادبی نیز هست آقای قزوینی از پس کار به خوبی برآمده و یک کتاب کم غلط عرضه کرده است. و غلط‌هایی همچون: نایب به جای نایبة (ص ۹۳)، تنکابن به جای تنکابن (ص ۱۰۱) یمین به یومین، قطعاً اشتباه چاپی است. مواضیاً به جای مواظباً (ص ۲۹۸) فأجر به جای فأجر (ص ۷۱) نصرته به جای نظرته (ص ۱۷۱) و اصرار بر ضبط حجرة به جای حجرة (ص ۵۹) که مشهور و صحیح است و حفظ به جای خفض (ص ۴۲) و ایقضا به جای ایقظناه (ص ۵۹) و نگارش الطبطائی به جای الطباطائی در موارد متعدد و نظایر این اشتباهات، در کتاب نیامده بود، بهتر بود. و نیز آغاز زندگینامه شیخ جعفر کبیر (ص ۴۳) اگر در صفحه چپ و مستقل بود بهتر بود.

در پایان سخن به مؤلف جامع و زبردست درود می‌فرستیم و از خداوند مهربان خواستاریم بر درج‌اتش بیفزاید. و به آقای دکتر قزوینی که زحمت تصحیح و تنسیق کتاب را به دوش کشیده‌اند، خسته نباشید می‌گوییم و یادآوری می‌کنیم که چاپ این کتاب نشان می‌دهد که هنوز هم آثار چاپ نشده ارزشمند و مفید که غبار غربت و غم بر آنها نشسته و در انتظار تصحیح و چاپ به سر می‌برد بسیار است و این طور نیست که به بهانه آن که مطالب کتاب‌ها تکراری است گمان کنیم چاپی ما را از مخطوطات بی‌نیاز می‌کند.

○

بیست سال دل مشغول این کتاب بوده است بایستی از یافته‌ها و حدس و گمان‌ها گزارشی در اختیار خواننده قرار دهد و راه را برای دیگران هموار سازد. او گفته است که مبنای کارش نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی است، اما نمی‌گوید که آن نسخه آیا پیشنویس قسمت اول است که تا پایان عمر در اختیار مؤلف بوده است و بعدها به کتابخانه مجلس راه یافته است و یا همان نسخه پاکنویس شده‌ای است که مؤلف برای عمویش به اصفهان فرستاده است که به زعم مؤلف ناپدید شده لیکن به دست صاحب همتی به کتابخانه مجلس رسیده است.

اگر نسخه کتابخانه مجلس همان پیشنویس بخش اول باشد، باید به مؤلف بزرگ آن آفرین گفت که مسوده کتابش این قدر شسته رفته است که محقق کتاب. هیچ‌جا لازم ندانسته برای استوارسازی متن، بین گروه کلمه‌ای اضافه کند.

و اگر نسخه کتابخانه مجلس همان نسخه‌ای باشد که مؤلف برای عمویش به اصفهان فرستاده است، پس چرا متن چاپی ناتمام است؟ شکی نیست که نسخه مرسوله به اصفهان کامل بوده است. مگر آنکه بگوییم بخش پایانی آن بعدها از دست رفته است و فقط جزء اول به کتابخانه مجلس راه یافته است. در مجموعه CDهای الذخائر که از کتاب‌های کتابخانه کاشف الغطاء در نجف تهیه شده است، تنها بخشی از آنچه چاپ شده موجود است و قرائن نشان می‌دهد که آن نسخه عکسی از قسمتی از نسخه کتابخانه مجلس شورای اسلامی است.

به هر حال امید است که جزء دوم کتاب هم پیدا شود.

۲. چنانچه جزء دوم کتاب پیدا شود و به چاپ رسد، گرچه همه کتاب «العقبات العنبرية» عرضه شده اما تکمیل آن ضروری است. علامه محمد حسین کاشف الغطاء در سال ۱۲۹۴ به دنیا آمده و در بیست سالگی یعنی ۱۳۱۴ هـ، ق، این کتاب را به پایان برده است و اکنون صد سال از آن تاریخ گذشته در این یک سده هم دانشورانی از این خاندان به پا خاسته‌اند که در کتاب از آنان ذکری به میان نیامده که از جمله آنان خود مؤلف «العقبات» است. پس برای دست‌یابی به تمام رجال علم و ادب از خاندان کاشف الغطاء تکمله عبقات ضروری است و چنانچه در پایان آن سلسله نسب این فامیل بزرگ به صورت درختی و مشجر ترسیم